

چرا فقط شمال می‌رویم؟!

اگر به گذشته‌های دور برگردیم سفرهای ما با زاویه دیدی که پیشینیان نسبت به سفر داشتند احتمالاً بسیار ناهمخوان خواهد بود.



گروه گردشگری - در سفرهای پیشینیان سفر برای لذت معنایی ندارد. شاید اگر به سعدی می‌گفتیم از شیراز حرکت می‌کنیم که در بابل یا فریدون کنسار جوجه کباب بخوریم او در ما نوعی اختلال روان‌پریشی جدی را تشخیص می‌داد. پیشینیان به سفر می‌رفتند، چون مثلاً در کتاب مقدس و اعتقادات دینی زیارت مکان‌های مقدس و متبرک به عنوان یک آیین و سلوک به رسمیت شناخته شده بود. در گذشته با وجود محدودیت‌های حمل و نقل بسیاری برای کسب علم و معرفت به سفر می‌رفتند همچنان که سعدی از حضور خود در نظامیه بغداد برای کسب علم سخن می‌گوید یا برای برخی از مردم سفرهای بازرگانی و کسب سود امری رایج بوده است. این طرز بگویند در گذشته ممکن بود افراد از کنار دریا، اقیانوس، دشت، کویر و کوه عبور کنند، اما قصد آن‌ها این نبوده که کیلومترها و فرسخ‌ها راه بپیمایند تا در کنار دریا یا کوه بسط لذت را فراهم کنند. چرا ما به سفرهایی با اعمال شاقه تن می‌دهیم؟ سفرهایی که گاه نه تنها خستگی را از تن و روان ما بیرون نمی‌آورد بلکه رجوری تازه‌ای بر احساس انباشت خستگی روزمره می‌افزاید؟ چرا با وجود اینکه می‌دانیم به احتمال زیاد در راهبندان‌های طولانی

و چندساعته در جاده چالوس و هراز و آزادراه تهران -شمال و آزادراه رشت -قزوین متوقف خواهیم ماند باز هم فرمان‌مان را به سمت جاده‌های شمال می‌چرخانیم؟ چرا یا اینکه بودجه منطقی و استاندارد یک سفر با امکانات رفاهی قابل قبول در جیب‌هایمان نیست با این حال باز صندوق عقب ماشین‌مان را با پتو و پیک‌نیک و وسایل سفر پر می‌کنیم؟ و چرا با وجودی که می‌دانیم تمام نقاط ایران پر از جاذبه است، اما از شمال‌زدگی مفرط دست برنمی‌داریم؟

تعطیلی ۱۲ و ۱۴ شهریور فرصت مناسبی بود که با دو خانواده دیگر از اقوام به دل جاده بزیم. آیا نمی‌دانستیم چه بر سرمان خواهد آمد؟ می‌دانستیم، حتی با وجود اینکه امکان رزرو جا از یکی از اپلیکیشن‌های کرایه‌ویلا وجود داشت، اما در نهایت منصرف شدیم و کاملاً به روش هرچه پیش‌آید خوش آمدیم به دل جاده زدیم. چرا؟ با دلیل اینکه واقعا نمی‌دانستیم مسیر ۱۷۰ کیلومتری کرج تا چالوس چند ساعت طول خواهد کشید. شما در یک حالت نرمال قابل پیش‌بینی تفرج کتان و سر صبر می‌توانید این مسیر را سه ساعته بروید و به مقصد برسید، اما وقتی می‌دانید بسیاری از خانواده‌ها مثل شما فکر کرده‌اند یعنی آن دو روز تعطیلی

و خانواده‌هایشان تحمل کنند؟ واقعا چنین سفرهایی ارزش این همه اتلاف وقت و منابع را دارد؟ این سؤالات اگرچه حسی از محتوایی منطقی هم برخوردار است، اما وقتی با رویکردی تحلیلی و حتی همدلانه به آن نگرسته نشود در نهایت به ما در موشکافی این سفرها و چرایی آن کمک نخواهد کرد. اگر تحلیل‌گرمان می‌خواهند ارزیابی دقیق‌تری از پدیده‌های اجتماعی داشته باشند منطقی‌ترین است که از چشم این افراد به داستان نگاه کنند. چرا ما تحت هر شرایطی و به هر قیمتی می‌خواهیم از شهرهای بی‌روح و بی‌رنگ و خاکستری به جاهای سرسبز برویم؟ همه ما ذاتاً عاشق زیبایی و سرزندگی هستیم و حاضریم هزینه این عشق را پرداخت کنیم. همه کسانی که هفته دوم شهریورماه در پیاده‌روهای شرجی و گرم رامسر زده بودند و به کمترین امکانات رفاهی - حتی آب آشامیدنی سالم و خنک دسترسی نداشتند می‌خواستند چشم و گوش خود را ولو با تحمل شکنجه ترافیکی به این زیبایی متصل کنند. همه کسانی که حتی نمی‌توانند بلیت ۲۵۰ هزار تومانی تله‌کابین رامسر را پرداخت کنند و این قیمت برای تله کابین سواری برای آن‌ها بیش از حد لاکچری است دوست دارند هر طور شده در ضیافت دریا و جنگل، ضیافت رنگ‌های آبی و سبز، در شوکه درختان جنگل‌های هرکاتی جنگل‌هایی که نه سال پیش به لطف چرخ‌های طبیعی آب و خساک و طریقت دریاها پدید آمده‌اند سهمی داشته باشند ولو اینکه برای حضور در این ضیافت مجبور باشند در کنار پیاده‌روها و بوستان‌ها بخواهند و انواع خاشبه‌ها را به جان بخرند یا در ویلاهای اسکان پیدا کنند که نه معماری و شکل و بافت آن‌ها و نه فضای داخلی و مبلمان‌شان با تصویر ذهنی معمول ما از یک ویلا شمالی کمتر تطبیقی ندارد.

منطق سفر برای سفر چقدر پذیرفتنی است؟
ما امروز در روزگاری زندگی می‌کنیم که معنای سفر نیز مثل بسیاری از اجزای زندگی ما کارکرد دیگری به خود گرفته و متحول یا تحریف شده است. ما امروز بار توغعات زیادی را بر کرده سفر گذاشته‌ایم. سفر قرار است روان فرسوده و متشنج ما را بازمسازد و مرمت کند. سفر قرار است به تعدد اعصاب بینجامد. ما امروز از

گردشگری

سفر می‌خواهیم ما را به نهایت لذت و سرخوشی برساند، اساساً متر و معیار ما برای ارزیابی سفر این است که قرار است در آن سفر چقدر به ما خوش بگذرد، چقدر خوشی و لذت را تجربه کنیم. ما از سفر می‌خواهیم ولو کوتاه مدت، ملال، ایستایی و رکود را از زندگی ما دور کند. ما از سفر می‌خواهیم مثل هیاشان‌دارند، یعنی قرار است این سفر خماری زندگی را از سر و چشم و گوش ما موقتاً دور کند و این همه در حالی است که همین تقاضاهای روزافزون برای سفرهای لذت بخش خود در نهایت به مصیبتی فراگیر بدل شده است.

شاید یکی از مهم‌ترین نقص‌های روزگار ما این است که ما را نسبت به کسب خوشی حداکثری معنادار کرده است. سفری برای ما خوشایند است که در آن به خوشی بیشتری دست پیدا کنیم و بتوانیم به حداکثر مصرف برسیم. تصور ذهنی ما از سفر عموماً خوشی و مصرف است و نه معنا و تولید. به جنگل‌ها و پارک‌های جنگلی شمال

سفر بزیم از انبوه انبوهی که بر زمین باقی مانده می‌توانیم بفهمیم که تلفی ما از سفر عموماً مصرف، خوشی و ریخت و پاش است. سفری برای ما سفر است که در آن غذاهای متنوع‌تر و لذیذتری تهیه شود، سفری که در آن به رستوران‌های بیشتر و بهتری سر بزیم. سفری که در آن از وسایل تفریحی بیشتری استفاده کنیم. سفری که در آن اسباب‌سگر می‌توانیم تری فراهم شده باشد. سفری که بتوانیم به ویلاها یا مراکز اقامتی با امکانات تفریحی بیشتر، به استخر و میز بیلیارد و چه و چه دسترسی داشته باشیم. این تلفی از سفر - خوشی و مصرف - نه تنها ما را پخته نمی‌کند بلکه حواسی روانی ناخواسته خود را هم به دنبال دارد، چون اگر آن خوشی، سرگرمی و مصرف تأمین شود خواستار ادامه آن است. ما از سفر عموماً خوشی و مصرف را می‌خواهیم و نه معنا و تولید. به جنگل‌ها و پارک‌های جنگلی شمال

سفر بزیم از انبوه انبوهی که بر زمین باقی مانده می‌توانیم بفهمیم که تلفی ما از سفر عموماً مصرف، خوشی و ریخت و پاش است. سفری برای ما سفر است که در آن غذاهای متنوع‌تر و لذیذتری تهیه شود، سفری که در آن به رستوران‌های بیشتر و بهتری سر بزیم. سفری که در آن از وسایل تفریحی بیشتری استفاده کنیم. سفری که در آن اسباب‌سگر می‌توانیم تری فراهم شده باشد. سفری که بتوانیم به ویلاها یا مراکز اقامتی با امکانات تفریحی بیشتر، به استخر و میز بیلیارد و چه و چه دسترسی داشته باشیم. این تلفی از سفر - خوشی و مصرف - نه تنها ما را پخته نمی‌کند بلکه حواسی روانی ناخواسته خود را هم به دنبال دارد، چون اگر آن خوشی، سرگرمی و مصرف تأمین شود خواستار ادامه آن است. ما از سفر عموماً خوشی و مصرف را می‌خواهیم و نه معنا و تولید. به جنگل‌ها و پارک‌های جنگلی شمال

می‌کنند، شهرهای ما با معماری چشم نواز و زیبا کمتر از تباطر برقرار می‌کنند. کافی است بافت قدیمی شهرهای تاریخی را با بافت جدید قوطی کبریتی مقایسه کنید و ببینید چرا ما عموماً در بافت قدیمی شهرها حس خوبی داریم. مثلاً وقتی شما در میدان نقش جهان حضور دارید فضا به گونه‌ای چیده شده است که احساس امن بودن به شما دست بدهد. فضا به گونه‌ای چیده شده که شما می‌خواهید آنجا بمانید و به آن تناسبات خیره شوید. اما آیا میدان‌های مدرن و جدید ما در شهرهای مختلف چنین کارکردی دارند؟ میدان‌های جدید ما بیشتر از آن که انسان‌محور باشند خودر محورند.

شاید یکی از مهم‌ترین نقص‌های روزگار ما این است که ما را نسبت به کسب خوشی حداکثری معنادار کرده است. سفری برای ما خوشایند است که در آن به خوشی بیشتری دست پیدا کنیم و بتوانیم به حداکثر مصرف برسیم. تصور ذهنی ما از سفر عموماً خوشی و مصرف است و نه معنا و تولید. به جنگل‌ها و پارک‌های جنگلی شمال

سفر بزیم از انبوه انبوهی که بر زمین باقی مانده می‌توانیم بفهمیم که تلفی ما از سفر عموماً خوشی و مصرف است و نه معنا و تولید. به جنگل‌ها و پارک‌های جنگلی شمال

سفر بزیم از انبوه انبوهی که بر زمین باقی مانده می‌توانیم بفهمیم که تلفی ما از سفر عموماً خوشی و مصرف است و نه معنا و تولید. به جنگل‌ها و پارک‌های جنگلی شمال

پشه آئدس

وبیماریهای منتقله از آن

AEDES MOSQUITO & transmitted diseases

تب دانگ، چیکونگونیا، تب زرد و زیکا

Dengue fever, chikungunya, yellow fever and Zika

خون‌ریزی از لثه و بینی

حالت تهوع و استفراغ

ضایعات پوستی شبیه کبودی

درد پشت چشم

سر درد

دردهای عضلانی

تب

به کجا مراجعه کنیم؟

If you have symptoms and a history of traveling to Persian Gulf countries and encountering people who have traveled, be sure to visit health centers (Boali, Farabi) and kish hospital.

Where should we go?

مرکز بهداشتی بوالی

مرکز بهداشتی فارابی

بیمارستان کیش

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شماره ۲۲-۱۴۰۳»

گروه سهامی برق منطقه‌ای هرمزگان

شرکت سهامی برق منطقه‌ای هرمزگان در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی ۱ مرحله‌ای، نسبت به برگزاری مناقصه «تأمین تجهیزات مرکز داده مخابرات دیسپاچینگ منطقه‌ای خلیج فارس» اقدام نماید. لذا از متقاضیان شرکت در این مناقصه دعوت بعمل می‌آید. از تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۸ لغایت ۱۴۰۳/۰۷/۰۴ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه و نسبت به دریافت یک نسخه از اسناد مناقصه بصورت رایگان اقدام نمایند. با توجه به اینکه کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار می‌گردد، لازم است در صورت عدم عضویت قبلی شرکتها در سامانه فوق مراحل ثبت نام در سایت مذکور انجام و نسبت به دریافت گواهی امضا، الکترونیکی اقدام نمایند. شرکت کنندگان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۳۳۱۳۸۶۱-۰۷۶ داخلی ۲۰۷۹ و در خصوص سامانه با داخلی ۳۰۰ تماس حاصل فرمایند. ثبت شماره تلفن، فکس و ایمیل از سوی شرکت کنندگان در سامانه الزامی می‌باشد. ضمناً تأکید می‌گردد پاکت الف (ضمائم‌نامه شرکت در فرایند ارجاع کار) به صورت فیزیکی نیز در روز برگزاری مناقصه به دبیرخانه این شرکت ارائه گردد.

توضیحات:

- ۱- مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال، به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی و یا واریز نقدی.
- ۲- الزامات:
 - ۱-۲- ارائه و بارگذاری گواهینامه افتاد در حوزه خدمات فنی افتا و گرایش نصب و پشتیبانی محصولات فتا الزامی می‌باشد.
 - ۲-۲- ارائه و بارگذاری حداقل یک کار مشابه طی سه سال گذشته به همراه گواهی رضایتمندی از کار فرمای مربوطه الزامی می‌باشد.

توضیحات:

- ۱- پیش‌پرداخت طبق آئین‌نامه تضمین معاملات دولتی با ارائه ضمانتنامه بانکی معتبر، قابل پرداخت خواهد بود.
- ۲- دستگاه نظارت: معاونت بهره‌برداری - امور دیسپاچینگ و مخابرات شرکت سهامی برق منطقه‌ای هرمزگان می‌باشد و شرکت‌های مناقصی می‌توانند در خصوص سؤالات فنی خود با آقای مهندس کریمی با شماره ۰۹۱۷۱۶۱۷۸۶۲ تماس حاصل فرمایند.
- ۳- حداکثر مهلت تحویل اسناد به دبیرخانه این شرکت تا ساعت ۸ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۷ و زمان بازگشایی پاکت همان روز راس ساعت ۱۰ صبح در دفتر امور تدارکات و قراردادهای این شرکت می‌باشد.
- ۴- به پیشنهادات مشروط، مبهم، مخدوش و فاقد سپرده و پیشنهادهاتی که بعد از موعد مقرر به دبیرخانه این شرکت ارسال گردد مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ۵- آگهی مادر سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام/پرو فایل تأمین کننده/مناقصه‌گر" قابل مشاهده می‌باشد.

روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه‌ای هرمزگان

شماره: ۱۷۸۵۶۸۷

پرتیراژترین و با سابقه‌ترین نشریه جزیره کیش

گسترده‌ترین شبکه اطلاع‌رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

روزنامه